

داستان‌های کوتاه،

پیام‌های بلند

گردآورنده:

زهرا نیکویی



بهار سبز

فهرست مطالب

<p>۴۹..... مسأله‌های لاینحل</p> <p>۵۰..... عیب دیگران</p> <p>۵۲..... اعتماد به مردم</p> <p>۵۴..... هفتاد و هشت ایده</p> <p>۵۶..... ماوراءالطبیعه</p> <p>۵۷..... عشق آدم و حوا</p> <p>۵۹..... استاد زرنگ‌تر از شاگرد</p> <p>۶۱..... شیطان و گمراهی</p> <p>۶۲..... ذات من</p> <p>۶۴..... جایی که سرزنش کردن تمام می‌شود</p> <p>۶۶..... بالقوه‌ها</p> <p>۶۸..... شباهت‌ها</p> <p>۶۹..... رندی استاد</p> <p>۷۲..... شکست به خاطر یک نعل</p> <p>۷۳..... برنامه‌ریزی</p> <p>۷۵..... ارادت مردم</p> <p>۷۶..... پاسخ حساب شدهٔ دکتر حسابی</p> <p>۷۷..... خوشبختی</p> <p>۷۸..... تصمیم مشکل</p> <p>۸۰..... این روزها</p> <p>۸۲..... این‌گونه بود که</p> <p>۸۶..... زنان باهوش‌ترند</p> <p>۸۷..... راز</p> <p>۸۹..... درس عبرت</p> <p>۹۰..... اهمیت آموزش مداوم</p>	<p>۹..... برو به پل</p> <p>۱۱..... ادعای مدیریت</p> <p>۱۳..... نگاه کردن به عشق</p> <p>۱۵..... شخصیت</p> <p>۱۷..... زرنگی به چه قیمت؟! </p> <p>۱۹..... کیلومتر بعد</p> <p>۲۱..... شما چرا؟! </p> <p>۲۳..... بار دیگر در آینده</p> <p>۲۵..... حلالیت شتر</p> <p>۲۷..... نوع بر خورد</p> <p>۲۹..... درس آموزنده یک شوهر</p> <p>۳۰..... کار کردن</p> <p>۳۲..... ارزش‌گذاری با ریاضی</p> <p>۳۳..... خودخواهی</p> <p>۳۴..... تأثیرگذاری بر دیگران</p> <p>۳۵..... مرگ به سبک نوبل</p> <p>۳۶..... بیچاره شد</p> <p>۳۸..... مستری یعنی همه‌چیز</p> <p>۴۰..... ایمان مربی‌شنا</p> <p>۴۱..... نه، نه برای همیشه</p> <p>۴۳..... نفرت</p> <p>۴۴..... مشقت</p> <p>۴۵..... نامه</p> <p>۴۷..... عشق «واژه اساسی»</p> <p>۴۸..... قدرت شفقت</p>
---	--

مقدمه

آموخته‌ام که:

مهم نیست که **زندگی** تا چه حد از شما **جدی** بودن را انتظار دارد!!!

اما؛ همه ما احتیاج به دوستی داریم که:

لحظه‌ای با وی به دور از **جدی** بودن باشیم!!!

آموخته‌ام...

که پول شخصیت نمی‌خرد؛

آموخته‌ام...

که تنها اتفاقات کوچک روزانه است که زندگی را تماشایی می‌کند؛

آموخته‌ام...

که خداوند همه چیز را در یک روز نیافرید. پس چه چیز باعث شد تا من بیندیشم که

می‌توانم همه چیز را در یک روز به دست بیاورم؛

آموخته‌ام...

که چشم‌پوشی از حقایق، آنها را تغییر نمی‌دهد؛

آموخته‌ام...

که این عشق است که زخم‌ها را شفا می‌دهد نه زمان؛

آموخته‌ام...

که وقتی با کسی روبه‌رو می‌شویم انتظار لبخندی خالصانه از سوی ما را دارد؛

آموخته‌ام...

که زندگی دشوار است، اما من از او سخت‌ترم.

به امید داشتن زندگی‌ای که شایسته‌ی هر ایرانی است.

زهرا نیکویی

۱۳۹۱